

روز شمار

**روز شمار** - امروز ۱۳۹۵/۵/۲۱ - سپهسالار ارتش عثمانی پس از تصرف همدان به سوی قزوین روانه شدند. سپهسالار تنکابنی بر کنار شد. ۱۲۹۷/۵/۲۱ محاکمه اعضای کمیته مجازات آغاز شد. ۱۳۰۴/۵/۲۱ پیکر مرحوم حاج شیخ عبد‌النبی نوری از مجتهدین و مراجع بزرگ تقلید با شکوه فراوان تشییع شد. به مناسبت وفات آن مرحوم بازار و اصناف تهران تعطیل نموده و به عزاداری پرداختند. ۱۳۰۸/۵/۲۱ سیویون حجاز به اتفاق عین‌الملک هویدا با رضاشاه دیدار کردند. شاه دستور شناسائی رسمی دولت نجد و حجاز را صادر کرد و مراتب به صورت تلگرافی از طرف دولت ابلاغ شد. ۱۳۱۳/۵/۲۱ نام شهر ترشیز به کاشمر تغییر یافت. ۱۳۲۵/۵/۲۱ احمد قوام با انتشار اعلامیه‌ای متذکر شد افراد ارتش، نگهبانی و شهربانی باید از مداخله در امور سیاسی برکنار باشند، چنانچه یکی از افراد به وظایف سیاسی اشتغال ورزد و داخل احزاب شود تسلیم دادگاه نظامی خواهد شد. ۱۳۳۰/۵/۲۱ استوکس پیشنهاد خود را جهت آینده نفت ایران در هشت ماده ارائه کرد. ۱۳۳۶/۵/۲۱ مقررات حکومت نظامی در تهران لغو شد. ۱۳۴۸/۵/۲۱ در جلسه هیات دولت بین عطاء‌الله خسروانی وزیر کشور و غلامرضانیکبئی وزیر آبادانی و مسکن مشاجره و سپس زد و خورد شدیدی در گرفت در این نزاع خسروانی به شدت مضروب شده و در حالت بیهوشی به بیمارستان انتقال یافت. ۱۳۵۷/۵/۲۱ در اثر کشته شدن عده زیادی از مردم در سراسر کشور در جریان تظاهرات علیه رژیم در شیراز و چند شهر دیگر عزای عمومی اعلام شد.

**-دیروز**

۱۲۹۵/۵/۲۰ روز قوای عثمانی وارد همدان شد. به دنبال این اقدام امیرافخم حکمران همدان از شهر خارج شد و شهر عملاً بدون حاکم ماند. از طرف قوای عثمانی و عساکر آنها مردم شعب بانک شاهی انگلیس و بانک استقراضی روسیه و منازل افسران روسی و فنسول ها غارت شد. ۱۲۹۷/۵/۲۰ بین میرزا کوچک خان و انگلیسیها یک موافقتنامه امضاء شد. ۱۲۹۸/۵/۲۰ روزنامه یومیه «صدای تهران» به مدیریت سیدمحمدبیرجندی مدیر مدرسه تدین و نماینده



مجلس از امروز انتشار می‌یابداین روزنامه از طرفداران وثوق‌الدوله و از جمله موافقین قرارداد ۱۹۱۹ بود. احمد شاه قاجار تهران را به مقصد اروپا ترک کرد. این اولین سفر خارجی آخرین پادشاه قاجار بود. ۱۳۰۱/۵/۲۰ مجلس شورای ملی لایحه استخدام و اختیارات دکتر ملبسیو را تصویب نمود. ملبسیو از آمریکا برای ادای امور مالیه ایران استخدام گردید و منصب وی رئیس کل مالیه ایران بود. در جنگ سختی که بین قشون ایران به فرماندهی سرتیپ امام‌الله میرزا و اسمعیل آقا سمیتقودر آذربایجان درگرفت قلعه چهریق که محل و ساحلی سمیتقو بود تسخیر شده و نامبر ده از مرز ایران خارج شد. ۱۳۳۱/مجلس سنای لایحه اختیارات شش ماهه دکتر مصدق را تصویب کرد. ۱۳۳۶/۵/۲۰ نمایندگان ایران و شوروی طی مذاکراتی طرح استفاده مسالوی و مشترک از بستر رودهای ارس و اتراک را پذیرفتند. ۱۳۵۰/۵/۲۰ احمدشاه وثوق‌الدوله را به این مدتقبل ادامه داشت امروز به حادثه‌ترین و قهرآمیزترین و انقلابی ترین روز خود رسید.

**-فردا**

۱۲۹۵/۵/۲۲ به دنبال برکناری سپهسالار تنکابنی از ریاست‌الوزرائی، احمدشاه وثوق‌الدوله را به این منصب منصوب کرد. ۱۳۰۰/۵/۲۲ یک اردوی هزار نفری به فرماندهی میرنیزحسین آقا برای سرکوبی کلنل محمدتقی خان‌پسیان عازم مشهد شدند. کلنل گلرپ فرمانده ۱۲۰۰ نفری ظاهر برای استراحت عازم رامسر شد. ملکه زاربا تهدید جدی رویور و رویور مردم آن ۱۳۰۰/۵/۲۲ دوازدهششممجلس شورای ملی به‌پایان رسید. ۱۳۲۲/۵/۲۲ شاه محرمانه فرمان عزل دکتر مصدق را از نخست‌وزیری و فرمان انتصاب سرلشکر زاهدی را به این سمت امضاء و صادر کرده و خود به همراه ملکه ثریا ظاهر برای استراحت عازم رامسر شد. ۱۳۲۶/۵/۲۲ دستور شروع انتخاباتانجمن شهرها صادر شد. ۱۳۵۳/۵/۲۲ عراق بار دیگر تجاوزات مرزی خود علیه ایران را سر گرفته و مرز ایران در منطقه قصر شیرین را زیر آتش نوبخانه قرار داد. در نتیجه این اقدامات دولت عراق چند نفر کشته شدند. ۱۳۵۶/۵/۲۲ آمریکا یک اعلامیه مشترک در خصوص انرژی اتمی انتشار دادند. ۱۳۵۷/۵/۲۲ امام خمینی (ره) به مناسبت کشتار مردم در اصفهان پیامی صادر کردند.

## رسالت



بررسی نقش روشنفکران در قدرت یابی رضاخان

# روشنفکران دین‌گریز و استبدادگرا

فریبنده، کارخانجات و ماشین‌های تمدن جدید، هر تازه واردی از دنیای عقب‌مانده را به آسانی متحیر و مهوت می‌کرد.د. گناه‌غرب‌گرایانه‌نسل اول روشنفکری در ایران، تمام مظاهر سنتی و دینی مانع تکامل و ترقی بودند و می‌بایست یا کنار زده می‌شدند یا به گونه‌های غیر موثر به‌صورت خصوصی و شخصی درمی‌آمدند. فرهنگ و تمدن جدید از امامی‌بایست بر ویرانه‌های فرهنگ گذشته بنامی‌شد. به‌همین دلیل روشنفکران کد دل‌درگرو تمدن جدید داشتندهم‌پای‌غرب‌گرایی، فرهنگ بومی و رفع نقایض آن در زمینه‌های غربی، اعتقادی و عملی، آسان‌ترین راه‌را که کنار زدن آن و اخذ تمدن جدید بود را، انتخاب کردند.

در واقع ایرانیانی که در مقام منورالفکران جامعه ایفای نقش می‌کردند شناخت کافی و واقعی از جامعه خود نداشتند آنها از این موضوع غافل بودند که سرزمین ایران سالیان متمادی لگدکوب اسبان پادشاهان، قیصرها و سلاطینی بوده‌است که خوی جهانگیری و حاکم ساختن روحیه نظامی‌گری از مشخصه‌های بازار آنان بوده‌است.کشور ایران به دلیل موقعیت‌استراتژیکی

تحولات جریان روشنفکری در ایران رامی‌توان به دوره‌ها و گونه‌های مشخصی تقسیم کرد:هر دوره یا گونه روشنفکری با تحولات تاریخی و اجتماعی هم عصر خود و چگونگی قدرت حاکم بر جامعه، رابطه تنگاتنگ و تعامل فراوان داشته‌است. در بازشناسی جریان‌های روشنفکری در ایران، گونه‌شناسی و تقسیم‌های متفاوتی مشاهده می‌شوددو جریان‌های روشنفکری را بر اساس ادوار تاریخی، ماهیت و دیدگاه‌ها، چگونگی نگرش به تمدن‌غرب یا فرهنگ‌دینی بومی می‌توان دسته‌بندی کرد. بر اساس ادوار تاریخی و گونه‌شناسی طولی، روشنفکران عصر مشروطه، عصر رضاخان، دوران بعد از شهریور ۱۳۲۰ و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دوره بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از هم متمایز می‌شوند. بر اساس دیدگاه‌ها و ماهیت فکری، روشنفکران به‌دسته‌های مختلفی مانند:روشنفکران غرب‌گرا،املی‌گرا،چپ‌گرا و دینی تقسیم می‌شوند. هر یک از گونه‌های روشنفکری، نسبت‌فراقل‌انکار باشرایط تاریخی و اجتماعی دارد و حصول دوران خاصی از جامعه ایران است؛ به‌گونه‌ای که شاید بتوان ادعا کرد تحولات سیاسی -اجتماعی جامعه، اساسی‌ترین نقش را در شکل‌گیری و تحول جریان روشنفکری ایجاد کرده‌است.۲.

اگر بخواهیم نگاهی کوتاه به جریان روشنفکری در ایران تا قبل از به‌قدرت رسیدن رضاشاه بیندازیم، خواهیم دید که به علت جایگاه غربی روشنفکری ایرانی و تحت‌تاثیر فرهنگ غربی، نگرش نسل اول روشنفکران ایرانی در لزوم تقلید از غرب و طرد دین و علمای دینی از مسائل و اجتماعی و سیاسی بود و این نگرش بر مبنای این پیش‌فرض بود که بر اساس تجربات‌جامع غربی، دین در پاسخگویی نیازهای جدید، تا نگاه روشنفکران ناتوان است و اخذ تمدن غرب به صورت تمام و کمال و حاکم شدن آن راه‌گشایی جامعه در شرایط نوین می‌باشد. این گرایش در نسل‌های بعدی روشنفکران دوره مشروطیت و عهد رضاشاه‌نه تنها حفظ شد بلکه سنت‌ها و تقلیددینی علاوه بر ناتوانی در پاسخگویی نیازهای جدید به‌عنوان اصلی‌ترین موانع تکامل و ترقی معرفی شدند که هر به‌نحو ممکن باید کنار گذاشته می‌شدند.

در واقع جریان روشنفکری در ایران از بالا به جامعه می‌نگریست و سعی داشت تا جامعه به‌نظر کهنه و سنتی جامعه ایران را از تن او بر کشد. جامعه‌ای به‌نظر نو و متناسب بر پیکر آن بیوشد. به‌همین سبب گردید تا جریان روشنفکری در ایران مسیری غیرواقع و مصنوعی در پیش‌گیرد؛مسیری که جدا از شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران بود.

در این میان احساس ناتوانی و حقارت از مقبله‌تابندن جدیدونیاز به‌تکنولوژی و دستاوردهای علمی، این گرایش را تشدید می‌کرد. شاهزادگان، ایلچیان، دانشجویان‌اغوامی به‌خارج،سفرها وسباحان در مواجهه با تمدن جدید به وضوح متوجه فاصله زیاد جامعه ایران با آن شدند؛ به‌ویژه آنکه مظاهر

و فرسوده‌ای را که بر پیکر جامعه ایران سنگینی می‌کرد در قطع کرده و بر زخم‌های جامعه و مردم مرمم نهند. در این میان دین و مذهب که اساسی‌ترین مظهر و رکن فرهنگی جامعه ایران می‌باشد از نگاه روشنفکران غرب‌گرا با تمدن جدید ناسازگار شناخته شد. و می‌بایست در ایران نیز دین و مذهب همانند انگویی غربی از صحنه جامعه و تاثیر‌گذاری در حوزه سیاسی کنار گذاشته شود.

البته آنها گاهی ناچار می‌شدند از سر مصطلحات طلبی و منافع، الفاظ و عبارات دینی و اسلامی را برای طرح مفاهیم و مبانی تمدن غرب به کار برند و جالب آنکه امر نتوانست آنها را متوجه‌اهمیت دین و فرهنگ ایرانی -اسلامی کند. و حتی افرادی نظیر آخوندزاده و میرزاآقاخان کرمانی بدون هیچ‌مخاطفه‌کاری راه‌عناد و توحین به‌دین و فرهنگ ایرانی -اسلامی و ایجاد تشکیک و تردید در آن را انتخاب کردند. تمام تلاش روشنفکران غرب‌گرا بر آن بود تا با تغییر خط و تاکید بر ناسیونالیزم و باستان‌گرایی غیر واقعی جامعه را از سنت و فرهنگ خود جدا ساخته و به‌زعم غیرواقع‌بینانه‌شان طرحی نو در اندازند. اما بر خلاف آنچه انتظار می‌رفت، در ایران نظام

مدرنی همانند نظام‌های اروپایی که بر قانون استوار باشد به وجود نیامد و اساس آن در بدو تحقق‌فر و یابشد. تدریوی‌های و کلاسی‌مجلس مشروطه، بی‌تجربگی آنها و مخالف‌های غیر منطقی با علما باعث به‌توپ بسته‌شدن مجلس و پیروزی مجدد استبداد شد. اگر چه با فتاوی‌علمای نجف و حرکت مردمی علیه استبداد صغیر، جان تازه‌ای گرفت؛ اما در نهایت کار، روشنفکران غرب‌گرا بر موج مخالفت مردمی سوار شده و اشراف، اعیان و مستبدان گذشته فرصت بیشتری برای صحنه‌گردانی و عرض‌اندام پیدا کردند و کیل و وزیر مشروطه شدند. علاوه بر این، پیروزی روشنفکران با جدایی روحانیون که بعد از اعدام شیخ فضل‌الله نوری و ترور سیدعبدالله‌بهبهانی محقق شد، همزمان کردید. روشنفکران با بریدن



از جامعه سنتی سعی داشتند تا بر جامعه‌ای با الگوی غربی تکیه‌زنند. اما عدم درک واقعیت‌های جامعه ایران سبب گردید نه تنها به آن (جامعه بر اساس الگوی غربی) دست نیابند بلکه از این (جامعه سنتی ایران) نیز جدا شوند و در حالی میان نه این و نه آن معلق و سرگردان بمانند. در این میان در ایران شرایطی از ناسامانی به وجود آمد که به سرگردانی آنان دامن زد؛ اشغال‌بخش‌هایی از کشور به دست متفقین در جنگ جهانی اول، تلاش قوای متجاوز برای سلطه و نفوذ بیشتر در ایران، تغییرات بی‌دری کابینه‌ها و وزراء بحران مالی و فعال شدن نیروهای گریز از مرکز در نقاط مختلف، جامعه و کشور را به سوی بی‌ثباتی سوق داد. در چنین شرایطی خمیرمایه روشنفکران غرب‌گرا و ترقی‌خواه عصر رضاخان در میان هرج و مرج بعد از مشروطه شکل گرفت.۴.

روشنفکران غرب‌گرا که در صدد بودند تا راه چند صد ساله، راه چند سالی! (پییمانند. مسببان اصلی تشدید هرج و مرج و ناامنی بودند. آنان جامعه ایران را از خود جدا ساخته و به سوی غربی‌شدن سوق دادند که البته با شتاب و عجلانه بود. همین



۲۰ شعبان ۱۳۳۰-۱۲ آگوست ۲۰۰۹ - سال بیست و چهارم - شماره ۶۷۷۵ چهارشنبه ۲۱ مرداد ۱۳۸۸

## انقلاب فرامردن و تمدن اسلامی

**موج چهارم بیداری اسلامی**
نویسنده: دکتر موسی نجفی
تاریخ انتشار: ۱۳۸۷
موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

کتاب «انقلاب فرامردن و تمدن اسلامی؛ موج چهارم بیداری اسلامی»، چهار موج بیداری اسلامی را در چهار بخش مطرح و در باره آنها بحث و اظهار نظر می‌کند. در هر یک از این چهار بخش، بیداری اسلامی در گستره تاریخ ایران، نظریه‌پردازی و انقلاب اسلامی ایران، فلسفه مدنی ایران و تمدن اسلامی، به ابعاد مختلف و مراحل گوناگون بیداری اسلامی پرداخته می‌شود.

مؤلف در بخش نخست که با عنوان «بیداری اسلامی در گستره تاریخ ایران» آمده‌است به اندیشه سیاسی در نهضت‌های اسلامی تاریخ معاصر ایران و قیام تباکو برداخته‌است و با نگاهی به مشروطیت از فراز تاریخ تمدن اسلامی و تلاقی آن را با سه دوره تاریخی غرب بررسی کرده‌است.

تلاقی سنت و تجدد، عدالت‌خواهی به عنوان اساس نهضت مشروطه و جنبش ملی در همین بخش آمده‌است.

موسی نجفی بخش دوم را به نظریه‌پردازی‌ها درباره انقلاب اسلامی اختصاص داده‌است. وی ابتدا با طرح پرسش از غرب به ساحت بیداری اسلامی فلسفه قیام عاشورا را با فلسفه انقلاب اسلامی مقایسه می‌کند و سپس انقلاب اسلامی را به عنوان بنیاد شالوده‌شکنی در نظریه‌پردازی غرب مطرح می‌کند. در بخش سوم که با نام فلسفه مدنی ایران آمده‌است ابتدا جوهره سیاست مقدس و فلسفه مدنی اسلامی مرور می‌شود و سپس شهرسازی و مدنیت اسلامی و نسبت آن با هویت ملی مقایسه می‌گردد.

تکوین هویت ملی ایرانیان و ذات این هویت و نیز بررسی اندیشه محافظه‌کاری در ایران ا مباحث پابنی این بخش را تشکیل داده‌است.

نجفی در تمدن اسلامی به عنوان بخش پایانی، به راهکارها و چالش‌های پیش روی تمدن‌سازی اشاره کرده‌است و وضع تمدن اسلامی را بررسی می‌کند. مباحث دیگر این بخش «عقدی به نظریه استنفورد در فلسفه تاریخ و مبانی روش تحقیق در علوم اجتماعی» و نیز «انقلاب فرامردن» هستند.

**قاصد مراد**

**(زندگی‌نامه داستانی شهید محمد مهدی عراقی)**
تالیف: نادره عزیزنی نیک
تاریخ انتشار: مرداد ۱۳۸۸

عشق به خدمت به اسلام و نظام اسلامی، به انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و به نهضت امام خمینی (ره) و خود امام خمینی (ره)، در هر وجودی متجلی‌شود. آن وجود در هر لباس و در هر بست و مقام و مرتبه‌ای باشد، وجودی نازنین، محترم، خدایی و بهشتی است. عاشق خدمت را عاشقانی نیست که قاصد مراد باشد یا آب‌آوردن و نان‌آوردن دیگر مریدانش حتی در زندان، سپر بلا و بلاگر دان مراد باشد؛ از جانشانی برای مراد در تبعیدش محروم باشد و زندان و شکنجه بکشد به عشق مرادش کشته‌شود و فلاکت پذیرش را به جرم عشق به مرادش. عاشق خدمت را همین کافی است که مرادش، امامش و ولی‌قیه‌اش بگوید: «مهدی من تویی!» اگر چنین فردی را انقلابی اصیل، مجاهد نستوه و بلاگردان مقتدایانیم، سخنی به‌گراف گفته‌نشده‌است.

این اثر به بیان زندگی‌نامه انقلابی اصیل، مجاهد نستوه «شهید حاج محمد مهدی عراقی» به‌زبانی ساده اختصاص دارد.
**مردی که سایه نداشت**
تالیف: سهیلا عبدالحسینی
تاریخ انتشار: مرداد ۱۳۸۸

نام خرمشهر ناخودآگاه آدم را یاد «همد» می‌اندازد که نبود تا ببیند شهر آزاد گشته و خون‌بارانش بر نمر کشته‌است. «همد» به هنگام «کاشت» باذر فتح را پاشیدو فرماندهی «دانش» را بر عهده داشت و اگر او نبود، برداشتن هم نبود اما... اما بر نداشت! نبود!
**سیدار سپاه اسلام شهید محمد جهان‌آرا، فرمانده شجاع سپاه خرمشهر را مردم از زمان شاه می‌شناختند که با وجود کم سن، ساواک خرمشهر را بیچاره کرده بود. همه جاترئی از او و ردپای او بود اما برای یافتنش در به‌بودند و وقتی به او رسیدند که با صدها محمد جهان‌آرا جوان، انقلابی و پای در رکاب امام خمینی (ره) رو به‌بودند. صدها پیر و رش یافته محمد جهان‌آرا در خرمشهر.**

سر‌دار سپاه اسلام شهید محمد جهان‌آرا، فرمانده شجاع سپاه خرمشهر را مردم از زمان شاه می‌شناختند که با وجود کم سن، ساواک خرمشهر را بیچاره کرده بود. همه جاترئی از او و ردپای او بود اما برای یافتنش در به‌بودند و وقتی به او رسیدند که با صدها محمد جهان‌آرا جوان، انقلابی و پای در رکاب امام خمینی (ره) رو به‌بودند. صدها پیر و رش یافته محمد جهان‌آرا در خرمشهر.
**این کتاب که از گروه دانستی‌های انقلاب اسلامی برای جوانان می‌باشد در سه بخش و به زبان ساده به زندگانی و مبارزات شهید محمد جهان‌آرامی‌پرداز.**